

۱۸۱۷۹۸۲

برتولت برشت

♦

ترس و نکبت رایش سوم

♦

ترجمه: سرف لنگرانی



سرشناسه:	Bercht, Bertolt برشت، برتولت، ۱۸۹۸ - ۱۹۵۶ م.
عنوان و پدیدآور:	ترس و نکبت رایش سوم / برتولت برشت؛ ترجمه شریف لنکرانی
مشخصات نشر:	تهران: مصدق، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۱۷۶ ص.
شابک:	978-600-7436-80-6
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	داستان‌های آلمانی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده:	لنکرانی، شریف - ۱۳۱۰ - ۱۳۶۶ - مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۶ ت/۴ ۱۳/۲۶ PT
رده‌بندی دیویی:	۸۳۲/۹۱۲
شماره کتابخانه ملی:	۴۷۹۹۴۵۵



پایان - نگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۶۶۴۶۱۱۵۱ - ۶۶۴۰۰۲۲۳

www.Jamipub.com

link to jamipub.com



@Jamipub



@mosadeghpublishing



jamipub



mosadeghpublishing

ترس و نکبت رایش سوم

برتولت برشت

ترجمه: شریف لنکرانی

چاپ نخست: ۱۳۹۶

شمارگان: ۳۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۴۳۶ - ۸۰ - ۶

ISBN: 978 - 600 - 7436 - 80 - 6

۱۶۰۰۰ تومان

فهرست

۵	مقدمه‌ی مسیح
۷	رژه‌ی ارتش آلمان
	اتحاد ملی
۱۲	خیانت
۱۴	صلیب گچی
۳۸	سربازان مرداب
۴۳	خدمت به خلق
۴۶	قضاوت
۶۹	مرض‌ناشی از کار
۷۳	فیزیکدان
۷۷	زن یهودی
۸۷	جاسوس
۱۰۳	کفش سیاه
۱۰۷	کار اجباری
۱۱۰	برنامه‌ی کارگران
۱۱۵	صندوق

۱۱۸	زندانی آزاد شده
۱۲۴	کمک زمستانی
۱۲۷	دو نانوا
۱۲۹	دهقان به خوکش غذا می دهد
۱۳۲	مبارز قدیمی
۱۳۸	ماظه ی کوه
۱۴۴	شمار
۱۴۸	خب گلو ابرار بنهر «آلمریا» به سربازخانه ها می رسد
۱۵۱	ایجاد کس
۱۵۷	رفراندوم
۱۶۴	گر سربازان ارایه ی غذا داد

www.ketabo

مقدمه‌ی مترجم

این کتاب به سندش:

«ترس نکبت رایش سوم» شامل بیست و چهار نمایشنامه یک پرده‌ای است، که برنولد برشت آن را میان سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۹ در مهاجرت نوشته است و به تازگی برای اولین بار، خود در سال ۱۹۳۷ در پاریس به روی صحنه آورده است. زمانی که برشت این «یک پرده»ای‌ها را می‌نوشت هنوز آنچنان که باید از سرِ نکبتی که حکومت خودکامگان و جنایتکاران برای ملت آلمان به ارمغان آورده بود، برای این ملت و سایر ملت‌های جهان، شناخته شده نبود اما برشت همان موقع در صحنه‌های این کتاب تا سرحد تنفر آشکار کرده است که سده‌ها قبل از آنکه بمب‌افکن‌ها بیایند، شهرهای آلمان غیرقابل سکونت شده بودند.

برتولد برشت، که در سال ۱۸۹۸ در شهر آگسبورگ، آلمان متولد شده است، بدون شک یکی از قوی‌ترین شعرا و بزرگ‌ترین درامaturgan قرن حاضر آلمان و جهان است. برشت ابتدا به تحصیل طب و سپس طبیعی پرداخت، ولی دیری نپایید که به سوی تئاتر روی آور شد. مدتی در مونیخ با تئاتر^۱ همکاری می‌کرد و سپس به عنوان رژیسور در برلین به همراهی «ماکس راینهارت» شتافت. اولین اثرش به نام «صدای طبل در دل شب»

جایزه‌ی «کلاسیک» را ربود.

سحرگاه شبی که «رایشستاگ» را آتش زدند، برشت به خارج از آلمان گریخت و از همان روز دوران مهاجرت پانزده ساله‌اش آغاز گشت. در دوران مهاجرت ابتدا در کشورهای اروپایی - اتریش، دانمارک، سوئد، فنلاند و اتحاد شوروی - می‌زیست، ولی پس از اشغال اروپا توسط ارتش آلمان به ممالک متحد آمریکا رفت و تا سال ۱۹۴۷ که از طریق سویس به آلمان بازگشت، در آنجا زندگی می‌کرد. از این زمان تا روز مرگش - ۱۴ اوت ۱۹۵۶ - با کمک همسرش «هلنه وایگل» گروه تئاتری^۱ را رهبری می‌کرد. - گری که پس از مرگ برشت نیز همچنان کوشش می‌کند تا نظریه‌های او درباره‌ی «تئاتر حماسی» عملی کند.

برتولت برشت تأثیر زیادی در اعماق اجتماع زندگی می‌کنند. نقد اجتماعی بی‌رحمانه‌اش از دیدگاه همین مردم است و به بهترین وجهی در قالبی تازه، مستقیم و بی‌پیرایه، بیان می‌شود. برشت در تمام عمرش از کوشش خستگی‌ناپذیر برای یافتن قالب مناسب شعری برای برملا کردن زشتی‌های دنیایی که به راه خطا می‌رود، و برای نظریه‌اش درباره تغییرپذیری جهان و مردم آن، باز نایستاده است. او طنز را مناسب‌ترین وسیله‌ی آشکار و برملا کردن زشتی‌های این جهان می‌داند. تمام آنچه که نوشته است، آن طور که خودش زبانی گفته است، «برای بهره‌مندی خواننده» است.

برشت هیچ عضو حزب و دسته‌ای نبوده، ولی آنچه در «زمن دارک قصابخانه‌ها» گفته است، و وفاداریش نسبت به آن، جای او را مشخص می‌کند: «زمانی که این دنیا را ترک می‌کنید، کافی نیست که خودتان خوب باشید، بلکه سعی کنید تا دنیای خوبی را ترک کنید.»